



درس فارج فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۲۴ آبان ۱۳۹۳

موضوع کلی: القول فیما يجب فيه الخمس (الثانی: المعدن)

مصادف با: ۲۱ محرم ۱۴۳۶

موضوع جزئی: اعتبار وحدت در نصاب - فرع دوم: بررسی اعتبار وحدت از حیث مخرج

جلسه: ۲۶

سال پنجم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

فرع دوم: اعتبار وحدت از حیث مخرج

فرع دوم از فروع چهار گانه مربوط به نصاب، به وحدت از حیث مخرج مربوط است، در این فرع غرض این است که بررسی شود آیا در نصاب، وحدت از حیث مخرج معتبر است یا نه؟ امام (ره) فرمودند: «و لو اشترک جماعة فی استخراجہ فالاقوی اعتبار بلوغ نصیب کل واحد منهم النصاب، و إن کان الاحوط إخراجہ إذا بلغ المجموع ذلک»؛ اگر گروهی در استخراج معدن مشترک باشند، اقوی آن است که نصیب هر یک از آنها جداگانه و مستقلاً به حد نصاب برسد یعنی انضمام صورت نمی‌گیرد و مجموع آنچه که به صورت مشترک استخراج شده، لحاظ نمی‌شود بلکه برای وجوب خمس نصیب هر یک از مستخرجین به نحو استقلالی مورد نظر است و اگر سهم هر کدام به تنهایی به حد نصاب رسید، خمس واجب خواهد بود و الا فلا. این فتوای امام (ره) است.

البته در ادامه می‌فرمایند: اگرچه احتیاط آن است که اگر مجموع سهم مستخرجین به نصاب رسید، خمس اخراج شود یعنی مثلاً اگر سه نفر با هم استخراج می‌کنند، مجموعاً سی دینار بدست آمد که سهم هر یک مثلاً ده دینار است اینجا به حسب فتوایی، خمس بر هیچ یک واجب نیست چون نصیب هر کدام به بیست دینار نرسیده، اما احتیاط مستحب آن است که چون مجموعاً به نصاب رسیده و متجاوز از حد نصاب است، خمس این سی دینار محاسبه و پرداخت شود. این احتیاط مستحب است و گرنه فتوی این است که وحدت از حیث مخرج معتبر است، بخلاف فرع قبلی که گفتیم وحدت از حیث اخراج معتبر نیست.

مرحوم سید در عروة، برخلاف امام (ره) می‌فرماید: «و اذا اشترک جماعة فی الاخراج و لم یبلغ حصّة کل واحد منهم النصاب ولكن بلغ المجموع نصاباً فالظاهر وجوب خمسة».

از این عبارت سید استفاده می‌شود که وحدت از حیث مخرج را معتبر نمی‌دانند و مثل فرع قبلی معتقدند اگر مجموع آنچه که از معدن استخراج می‌شود به نصاب برسد، باید خمس داده شود ولو سهام هر یک از این شرکا به نصاب بیست دینار نرسد؛ مجموع با هم ضمیمه می‌شود و اگر مجموع بیست دینار بود خمس واجب است.^۱

اقوال در فرع دوم

بطور کلی بین اصحاب در این مسأله اختلاف است و دو قول در این مسأله وجود دارد:

۱. عروة، ج ۴ (طبع ۶ جلدی)، ص ۲۶۹.

قول اول: قول مشهور (اعتبار وحدت)

قول اول، قول مشهور است؛ مشهور معتقدند برای وجوب خمس لازم است نصیب هر یک از مستخرجین به بیست دینار برسد. به عبارت دیگر طبق نظر مشهور وحدت از حیث مخرج معتبر است. هر مخرج و هر مستخرجی به تنهایی لحاظ می شود یعنی اگر سهم او از معدن به اندازه بیست دینار شد، خمس واجب می شود و الا فلا. نظر امام (ره) مثل مشهور است.

قول دوم: (عدم اعتبار وحدت)

در مقابل جمع قابل توجهی هم معتقدند بلوغ سهم مجموع به نصاب کافی است یعنی اگر سهم همه مستخرجین با هم به بیست دینار برسد، برای وجوب خمس کفایت می کند. به عبارت دیگر حصه شرکا به هم ضمیمه می شود. و یا به عبارت ثالث وحدت از حیث مخرج در مسئله نصاب معتبر نیست همانند فرع قبلی که عرض کردیم وحدت از حیث اخراج معتبر نیست. از جمله کسانی که قائل به این قول هستند مرحوم سید (چنانچه گذشت)، صاحب حدائق^۱، صاحب جواهر^۲ و مرحوم شیخ انصاری در کتاب الخمس قائل به این نظر می باشند.

بررسی ادله اقوال

حال باید ادله این دو قول را بررسی کنیم و ببینیم حق با مشهور است یا صاحب جواهر و مرحوم شیخ و کسانی که معتقدند وحدت از حیث مخرج معتبر نیست.

ادله قول اول: قول مشهور

دلیل اول

با ضمیمه چند مطلب، مقصود ثابت می شود:

مطلب اول

مطلب اول اینکه مستفاد از اخبار و روایات همانطور که سابقاً اشاره کردیم این است که موضوع خمس، ذات المعدن نیست بلکه موضوع خمس معدن، معدنی است که در آن فایده و غنیمت باشد یعنی این جهت فایده و غنیمت در معدن مهم است. سابقاً بیان کردیم که موضوع وجوب خمس عبارت است از «المعدن الذی فیہ فائدة و غنیمة».

مطلب دوم

مطلب دوم اینکه موضوع نصاب به عینه همان موضوع خمس است یعنی نصاب متعلق به چیزی می شود که خمس آن واجب است؛ معنا ندارد موضوع نصاب با موضوع خمس، فرق بکند و تفکیک بین الموضوعین باطل است. بر این اساس موضوع نصاب خمس عبارت است از: «المعدن الذی فیہ فائدة»؛ وقتی ما می گوییم معدن اگر به اندازه بیست دینار برسد آنگاه خمس واجب است و نصاب تعیین می کنیم (در روایات برایش نصاب تعیین شده است)، کدام معدن اگر به این نصاب برسد خمس آن واجب است؟ معدن از این جهت که فایده و غنیمت است؛ چون موضوع خمس به عینه همان موضوع نصاب است چنانچه سابقاً هم بیان کردیم.

۱. الحدائق الناظرة، ج ۱۲، ص ۳۳۱.

۲. جواهر، ج ۱۶، ص ۲۰.

مطلب سوم اینکه خمس به عنوان یک تکلیف همانند سایر تکالیف به آحاد و افراد مستقلاً متعلق می‌شود؛ همانطوری که نماز، روزه، حج به عنوان احکام متوجه آحاد مکلفین است، خمس هم به عنوان یک تکلیف، متعلق به افراد مکلف به نحو استقلالی می‌شود.

نتیجه

حالا اگر این سه مطلب به هم ضمیمه شوند؛ یکی اینکه موضوع خمس عبارت است از معدنی که فائده و دوم اینکه موضوع نصاب بعینه همان موضوع خمس است و سوم اینکه تکلیف به خمس به نحو استقلالی به آحاد متعلق می‌شود، نتیجه این است که خمس "إذا بلغ نصیب کل واحدٍ من المخرجین النصاب" واجب می‌شود. یعنی هنگامی که نصیب هر یک از مخرجین به نصاب رسید، خمس واجب شود؛ چون وقتی ما می‌گوییم موضوع وجوب خمس و موضوع نصاب، معدنی است که در آن فائده است پس باید این فائده بر اساس مقدمه سوم به یکایک مکلفین باید برسد یعنی اگر مکلفی از معدن استخراج کرد، استغنام و استفاده او به نحو استقلالی مورد نظر است. پس ما باید استفاده و استغنامی را ملاحظه کنیم که هر فرد از معدن می‌برد و آن فائده‌ای که هر فرد از معدن می‌برد اگر به نصاب رسید، خمس بر او واجب می‌شود.

لذا با این سه مقدمه‌ای که عرض کردیم، نتیجه این است که در وجوب خمس، نصاب هر فرد به نحو مستقل ملاحظه می‌شود. اگر سهم هر یک از مستخرجین به بیست دینار رسید، خمس واجب می‌شود، و الا خمس واجب نیست و این معنایش این است که وحدت از حیث مخرج معتبر است و انضمام بین مستخرجین معنا ندارد.

سوال: در موارد شراکت بعضاً هست که به صورت یکجا خمس آن محاسبه می‌شود؟

استاد: بحث خمس در شرکت یک بحث جداگانه‌ای دارد. اصلاً این بحث مطرح است که اگر یک شخصیت حقوقی پیدا شد مثل شرکت‌هایی که الان وجود دارد و اینها معاملاتی انجام می‌دهند و سالانه سودی دارند (که البته باید در ارباح مکاسب بحث شود) آیا در این موارد خمس متوجه آن شخصیت حقوقی است یا صاحبان سهام آن شرکت؟ در این بحث گفته‌اند که سهم هر کسی در سود از این شرکت معلوم است و محاسبه می‌شود و هر کسی خودش باید خمسش را بدهد. پس در مواردی که شما می‌گویید یک نفر می‌آید حساب می‌کند، این شخص به نمایندگی یا به وکالت از سهامداران خمس می‌دهد. و الا چیزی به این عنوان که خمس بر شخص حقوقی به عنوان شرکت واجب باشد نداریم. البته اینجا هم که شخص حقوقی نیست و شرکا هستند؛ سه تا شریک با هم مشغول کار هستند و سهم هر کدام هم معلوم است. اگر بر فرض ما در اینجا هم بگوییم که خمس واجب است باز به افراد متوجه است.

سوال: چنین ملازمه‌ای چگونه ثابت می‌شود؟

استاد: با آن دو مقدمه که گفتیم نتیجه حاصل می‌شود. یکی اینکه موضوع خمس، معدن است؛ نه ذات المعدن. المعدن الذی فیه فائده و غنیمه. پس باید یک استغنام یا سود و فایده‌ای از معدن باشد. در مقدمه سوم می‌گوییم تعلق تکلیف به خمس متوجه به آحاد است، پس استغنام هر فرد مستقلاً از معدن ملاک است و باید ببینیم هر کسی از معدن چه مقدار فایده می‌برد و این معنایش این است که باید نصاب را در رابطه با خود هر فرد نگاه کنیم؛ هر فرد به نحو مستقل، مخاطب و متعلق تکلیف

خمس است. دیگر کاری به سهام بقیه نداریم و نگاه نمی‌کنیم که مجموع سهام چقدر است چرا که علی‌ایّ حال هر کدام از مکلفین یک تکلیف مستقل دارند.

سوال: اگر چنانچه کسی بیش از دیگران هزینه کند چگونه است؟

استاد: اولاً: باید در معدن یک فایده‌ای باشد. لذا اگر ضرر باشد (همانطور که قبلاً هم گفتیم) مؤونه‌های اخراج باید کم شود و اگر چیزی باقی ماند خمس واجب می‌شود. و الا اگر کسی بیشتر از مالی که استفاده می‌کند از معدن، هزینه کند، خمس ندارد. چون موضوع خمس فایده است که از معدن برده می‌شود.

ثانیاً: هر فایده به هر اندازه خمس در آن واجب نیست. خمس در چه واجب است؟ در صورتی که آن فایده حداقل به بیست دینار برسد.

و ثالثاً: مقدمه سوم ما اینست که می‌گوییم تکلیف خمس به آحاد مستقلاً متوجه می‌شود و پرداخت خمس وظیفه چه کسی است؟

سوال: آنچه مهم است مقداری است که اخراج می‌شود ولو چند نفر اخراج کنند.

استاد: یعنی شما می‌خواهید در مقدمه سوم اشکال کنید و بگویید: ما باید از ما يُستخرج خمس بدهیم و کاری نداریم که یک نفر یا ده نفر از معدن استخراج می‌کنند. آن نصاب هم بالنسبة الی ما يُستخرج مطرح می‌شود؛ اگر منظور شما این است این یکی از ادله قائلین به عدم اعتبار وحدت (قائلین به قول دوم مثل صاحب حدائق و صاحب جواهر) است و آن استظهاری است که از صحیحه بزنطی می‌کنند از «ما أخرج المعدن» و این یعنی هر چیزی که اخراج شده هر چند نفر که می‌خواهند باشد، چه یک نفر چه چند نفر. (که ما این را بررسی خواهیم کرد که صحیحه بزنطی چه دلالتی دارد) اما شما بگویید مقدمه سوم چه اشکالی دارد؟ آیا تکلیف به خمس (بدون در نظر گرفتن مسأله معدن و نصاب) به آحاد به نحو مستقل متوجه می‌شود یا نه؟ بدون اینکه با چیز دیگری کار داشته باشید. پس اگر ما این را پذیرفتیم و اگر این سه مقدمه را کنار هم بگذاریم اینکه:

اولاً: موضوع وجوب خمس عبارت است از: «المعدن الذی فیہ فائدة»؛ پس استغنام از معدن مهم است.

ثانیاً: نصاب به همان چیزی متعلق می‌شود که موضوع خمس است. پس اگر آن معدنی که فایده دارد به بیست دینار برسد، خمس آن واجب است.

ثالثاً: مطلب سوم را هم که قبول کردیم؛

آیا نتیجه قهری این سه مقدمه این مطلبی که مشهور می‌گویند هست یا نیست؟ اینکه ما ناچاریم استغنام هر فرد به اندازه نصاب را لحاظ کنیم و هر فرد تکلیف به خمس به او متعلق می‌شود به شرط اینکه از معدن فایده ببرد و بشرط اینکه آن فایده به بیست دینار برسد. پس معلوم می‌شود که هر کس باید مستقلاً لحاظ شود. و هذا هو معنی اعتبار الوحدة من حیث المخرج.

سوال: نتیجه‌ای که گرفتید به نظر می‌رسد لازمه آن سه مقدمه نیست یعنی با اینکه مقدمات درست است ولی نتیجه‌ای که گرفته شد از آنها بدست نمی‌آید و چنین ملازمه‌ای وجود ندارد.

استاد: پس در مقدمات اشکال ندارید؛ نتیجه‌ای که ما گرفتیم این است که نصاب بالنسبة الى الآحاد مستقلاً ملاحظه می‌شود و ما نصاب مجموع را لحاظ نمی‌کنیم؛ چون می‌گوییم خمس بر زید به تنهایی، بر عمر به تنهایی و بر بکر به تنهایی واجب است و شرط خمس و موضوع وجوب خمس زید «المعدن الذی فیہ فائدة» یعنی باید از این معدن استغنام داشته باشد و فایده ببرد آیا مطلق فایده موضوع خمس است یا اگر به نصاب برسد؟ واضح است که اگر به نصاب برسد خمس واجب می‌شود. پس موضوع وجوب خمس بر زید عبارت است از نصاب بیست دینار از فایده‌ای که او از معدن می‌برد.

اشکال

لقائل أن يقول اینکه صحیحه بزبطی نصاب را که ثابت می‌کند، اطلاق دارد «سألت اباالحسن الرضا عما اخرجہ المعدن هل فیہ شیء؟» امام (ع) فرمود: «لیس فیہ شیءٌ حتّٰی یبلغ ما یکون فی مثله الزکاة عشرين دیناراً»؛ این «حتی یبلغ عشرين دیناراً» مطلق است و فرقی نمی‌کند چون «عشرين دیناراً» یعنی "بلغ سهم کلّ فردٍ الی عشرين دیناراً او بلغ مجموع ما یتخرج الی عشرين دیناراً" و این اطلاق منافی با این استدلال است.

پاسخ

این سخن صحیح نیست؛ چون:

اولاً: اطلاق این صحیحه محل اشکال است به جهت اینکه در مقام بیان نیست.

ثانیاً: اگر اطلاق داشته باشد، اینجا انصراف دارد.

بحث جلسه آینده: توضیح و بیان مفصل این اشکال و پاسخی که در ذیل دلیل اول مطرح است و به حل بعضی از شبهات کمک خواهد کرد را إن شاء الله در جلسه آینده مطرح خواهیم کرد.

«الحمد لله رب العالمین»